

درباره چارلز هدان اسپورژن Charles Hedon Spurgeon

نام او را بعنوان یکی از بزرگترین متفکر مسیحی از دیگران شنیده بودم. زمانی که با کتاب رازگاهان او آشنا شده و آغاز به ترجمه آن کردم، گویی از خودش شروع به شنیدن کردم! هر چه بیشتر رفتم، گویی تمام روح این مرد در جلوی چشمانم بدون شرمساری که هیچ بلکه با افتخار در ترنم و عشق به مسیح عریان می گشت! گفتم چگونه می توانم این غول عظیم روحانی را در چند خط به توی خواننده معرفی کنم! چقدر برای من سخت و دشوار بود. اما فیض خدا با این کتاب بود (فکر می کردم فقط پولس رسول شیفته فیض خدا در مسیح بود، بعد دیدم که این آتش فیض چه گرمای جاودانه ای دارد، حتی اسپورژن را نیز شعله ور کرده است!) و با نوشته ای زیبا و عمیق از جان پایپر JOHN PIPER درباره اسپورژن آشنا شدم. دیدم که "گل بود و به سبزه آراسته شد!" پس غنیمت دیدم که زبان خودم را کوتاه و اجازه بدهم تا بزرگی در زمان حاضر از بزرگی دیگر از نسل گذشته برای ما سخن بگوید! اگر بخواهم قرابت و نزدیکی این دو مسیحی برجسته را در یک جمله خلاصه کنم باید بگویم که: هر دو تمام وجود و جان آنها از فیض خدا پر شده، و هر دو تمام زیستن در فیض خدا و بزرگی و جلال خدمت خود را به زیر پای صلیب عیسی خداوند گذاشته و خود را تنها خادمی بیش ندانستند. اما خلاصه ای درباره زندگی اسپورژن*:

چارلز هیدان اسپورژن در ۱۹ ژوئن ۱۸۳۴ در شهر کلیودون انگلستان دنیا آمد. در سن پانزده سالگی به عیسی مسیح ایمان آورد. می گویند به قرار ملاقاتی می رفت که به دلیل طوفان برف مجبور شد راه خود را کج کرده و در کلیسای پریمیو متدیست در شهر کالستر توقف نماید جایی که به قول خودش: "خدا قلب او را باز کرد تا پیام نجات را بشنود." آیه ای که آن روز قلب و روح اسپورژن جوان را تسخیر خود کرد این بود: "ای جمیع کرانهای زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگر نیستم."*

یکسال بعد او تعمید گرفت و بلافاصله خدمت خودش را آغاز کرد. در ۸ ژانویه ۱۸۵۶ با خانم سوزانا ازدواج کرد و خداوند به آنها دو پسر دوقلو بنام های چارلز و توماس هدیه داد. نهایتاً چارلز هیدان اسپورژن در ۳۱ ژانویه ۱۸۹۲ در شهر نیس فرانسه پس از سالها خدمت طولانی و پرثمر درگذشت، اما همسر و دو پسرش او را به لندن آورده و او را در آرامگاه نورت وود واقع در لندن به خاک سپردند... این تنها چند خط از خلاصه زندگی یکی از بزرگترین و نامورترین واعظ مسیحی در تاریخ مسیحیت بود! باید بیشتر به آنچه از خود باقی گذاشت و آنچه که بود بیانیشیم.

بنده در این بخش به خلاصه ای از سخنرانی جان پایپر در کنفرانس سال ۱۹۹۵ که در خصوص واعظین مسیحی بود اشاره می کنم. و اجازه می

دهم تا شما چارلز هیدان اسپورژن را از پنجرهٔ جان پایپر نگاه کنید که بسیار خوش منظر و بسیط است!

جان پایپر در کنفرانس کشیشان و واعظین دنیا در سال ۱۹۹۵ متن کنفرانس را بر "موعظه به رغم مصیبت و دردها" *preaching through adversity* انتخاب می‌کند. جان پایپر در این کنفرانس روی سخن خود را به تمام واعظین دنیا کرده و می‌گوید: "مصیبت و درد نصیب هر کسی می‌گردد و همه باید راهی را برای زیستن در این ایام دردآلود جسته و به زندگی ادامه دهند. همه باید صبحانه درست کنند، رخت‌ها را بشورند، سر کار بروند، قبض‌ها را پرداخت کنند، بچه‌هایشان را تربیت کنند و نهایتاً به روال عادی زندگی خود ادامه دهند، هر چند اگر قلب آنها شکسته شده باشد. اما برای کشیشان و واعظین متفاوت است - نه خیلی زیاد، اما متفاوت است. قلب تمام اساس کار ما است. اسپورژن می‌گوید: "کار ما فراتر از فکر است، کار ما کار قلب است." و وقتی قلب ما می‌شکند با قلب شکسته باید این موسیقی را ادامه دهیم."

جان پایپر در سخنرانی آغازین خود در این کنفرانس زندگی و خدمت اسپورژن را بعنوان واعظی نمونه به جوانان و پیران تشنهٔ خدمت و وعظ انجیل نجات مسیح معرفی می‌نماید. جان پایپر می‌گوید: "سؤال این نیست که به رغم این توهین‌ها، سختی‌ها و درد و رنج چگونه زندگی می‌کنیم. سؤال برای ما این است که به رغم تمام اینها چگونه موعظه می‌کنیم؟ چگونه می‌توانی خدمت را از روی قلب و وجود انجام دهی وقتی قلب و وجودت در حصار و در حال فرو ریختن است." سپس جان پایپر می‌گوید به همین دلیل است که او برای تشریح کردن موضوع این کنفرانس زندگی اسپورژن را انتخاب کرده است. و می‌خواهد به ما این قدرت را بدهد که با یادگیری از زندگی این بزرگ مسیحی به رغم تمام مصیبت‌ها همچنان موعظه کنیم؛ چون خود اسپورژن. سپس جان پایپر گویی دل‌حضور را خوانده است و می‌پرسد که: "اجازه بدهید تا ابتدا به این سؤال پاسخ بدهم که چرا اسپورژن؟" چرا او اسپورژن را انتخاب کرده است؟ سپس او هفت مورد را در خصوص اسپورژن نام می‌برد که تمام زندگی مسیحی و خدمت او را برای ما بسط می‌دهد. بنده این هفت مورد را از سخنرانی جان پایپر برای شما خلاصه کرده‌ام (هر آنچه می‌خوانید نقل قول شده و گرت برداری شده از سخنرانی جان پایپر دربارهٔ زندگی اسپورژن است و هیچ چیز آن از خودم نیست):

۱. او یک واعظ بود. او تا قبل از سن بیست سالگی ۶۰۰ بار موعظه کرد! تعداد ۲۰،۰۰۰ نسخه از موعظه‌های او به فروش رسیده و اکثر آنها به بیش از ۲۰ زبان دنیا ترجمه شده است. مجموعهٔ موعظه‌های او تقریباً به ۶۳ جلد می‌رسد. این طولانی‌ترین کتاب موعظه و نوشته شده توسط تنها یک نویسنده در تاریخ مسیحیت است. بی دلیل نیست که پسرش، به این لقب پدر خویش بنام "شاهزادهٔ موعظه" می‌بالید.

۲. او یک واعظ حقیقت بود. او به دانش آموزان خود می‌گفت: "برای اینکه واعظی پر نفوذ باشید باید اساس وعظ شما الهیات مسیحی باشد." الهیات راستین مسیحی اساس و بنای تمام کارهای اسپورژن است.

۳. او یک واعظ انجیل بود. او انجیل را بلند کرده و به مردم می‌گفت: "در این کتاب هیچ ناراستی و اشتباه نیست؛ ناب و کمال حقیقت است. چرا؟ زیرا آن را خدا نوشته است."

۴. او یک واعظ صید جانها بود. جایی اسپورژن از زندگی روحانی و دردهای خود سخن می‌گوید. او می‌گوید: "تمام جان من بخاطر انسان در درد است. تمام رگه‌های اعصاب من تحریک می‌شوند و قادر هستم تا با تمام وجودم گریه کنم و با سیلاب اشکهایم شسته شده و بروم، اگر می‌توانستم جانی را صید کنم." او از آتش جلال خدا و نجات انسانها شعله‌ور بود.

۵. او یک واعظ کلونی بود. اسپورژن درباره عقاید مسیحی خود می‌گوید: "من هرگز خجالت نمی‌کشم که خودم را کلونیست بدانم. و من رودربایستی ندارم که نام باپتیست را از روی خودم بردارم. اما اگر از من بپرسند اعتقاد نامه تو چیست؟ می‌گویم: عیسای مسیح."

۶. او یک واعظ پرکار بود. در ۵۰ سالگی تولدش، ۶۶ ارگان مسیحی را یا به ثبت رسانده بود یا در ثبت شدن آنان همکاری کرده بود!

۷. او یک واعظ بدنام شده و رنج دیده بود. پایپر می‌گوید اسپورژن می‌دانست که یک واعظ در مصیبت‌هایی چند پا خواهد گذاشت و گویی او آماده آنها بود. پایپر می‌گوید، اسپورژن از دردهای خود می‌دانست و دلایل زیر را می‌آورد:

الف- او می‌دانست اعضای در کلیسا روز به روز اضافه می‌شوند که به سوی نه گرم و نه سرد بودن ایمان خود خواهند رفت.

ب- او می‌دانست گاهی در زندگی ما اتفاقاتی روی می‌دهد که هرگز قادر به جبران شدن و فراموش کردن نخواهیم بود. اینجا او به واقعهای در زمان یکی از موعظه‌های اسپورژن اشاره می‌کند. به دلیل ازدحام جمعیت او در کلیسای خودش قادر به موعظه نبود، پس به سالن تئاتر منتقل شدند. جمعیتی قریب ۱۰,۰۰۰ نفر در موعظه او شرکت کرده بودند. ناگهان در میان موعظه یک نفر فریاد می‌زند: "آتش!" این فریاد چنان آشوب و غوغایی در سالن به راه می‌اندازد که هفت نفر را کشته و صدها نفر را زخمی می‌کند. پس از این واقعه، اسپورژن هرگز دیگر آن آدم قبلی نبود. همسرش که حضور داشت بدلیل اضطراب زیاد دیگر هرگز صاحب فرزند نشد، و نگرانی و غم هرگز اسپورژن را ترک نکرد.

پ- او می‌دانست که سایه رنج و درد همواره بر خانواده خودش سنگینی می‌کند.

ث- او در بیماری جسمانی دردناکی بسر می‌برد که تا به آخر عمرش آن را داشت.

ج- به رغم تمام دردها و رنج‌هایی که بسر او و خانواده او آمده بود، توهین‌ها و بدنامی‌ها و بد زبانی نه تنها از طرف غریبان و بیگانگان، بلکه از طرف دوستان و نزدیکان و هم خدمتان خود را نیز متحمل می شد.

د- و در آخر اینکه تمام این آشوب‌ها و دردهای خدمت پر حرارت و پر مصیبت اسپورژن در او فشار روحی غریبی وارد کرد، طوری که روزها و شبها بی دلیل گریه می کرد. خودش می نویسد: "روح من در حال غرق شدن است. چقدر در ضعف و ناتوانی می توانم مانند کودکان تا ساعتها گریه کنم، با اینکه بدانم آن چه را که برایش گریه می کنم، آن چیز نیست!"

سپس جان پایپر ادامه می دهد که پس چگونه اسپورژن به رغم تمام این مصیبتها و دردها باز موعظه کرد؟ او دلایل زیر را ارائه می دهد:

۱. اسپورژن نگرانی و دردها را طرح الهی خدا برای خدمتش و جلال مسیح می دانست.
۲. اسپورژن از طبیعت و زیبایی آن و استراحت کردن برای تجدید انرژی و خدمت لذت می برد.
۳. اسپورژن دائما توسط دعاها و تمرکز روحانی در مشارکت با مسیح بود.
۴. اسپورژن با تمرکز دادن نگاهش به ابدیت نه به پاداش زودگذر و فوری ایمان، آتش غیرت و شور موعظه کردن را شعله ور کرد.
۵. اسپورژن پشتکاری و موفقیت در موعظه و خدمت خود را در یک چیز یافته بود. او می دانست که او کیست و این شناخت از خود با فشارهای بیرون به هم نریخت و از درون نیز هرگز شک و تردید را به خود راه نداد.
۶. تمامی پیروزی‌ها و موفقیت‌های بی تردید اسپورژن به رغم تمام مشکلات و مصیبت‌های او از اطمینان داشتن به پیروزی قطعی مسیح سرچشمه می گرفت.

ح. گ.

تابستان سپتامبر ۲۰۰۹

*^۱- از بیوگرافی و زندگی چارلز هیدان اسپورژن. وایکپدیا

*^۲- اشعیا نبی ۴۵: ۲۲

*^۳- برداشت از سخنرانی جان پایپر از وب سایت: با اجازه از سازمان زیر

©Desiring God. Website: www.desiringGod.org